روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

چهارشنبه | ۱۱ تیر ۱۴۰۴ | ۶ محرم ۱۴۴۷ | ۲ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۵۵ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

| ۱۱۹۰ سال و ۳۱۳ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4355 | WED.JUL.02, 2025 | ISSN:2008-2886

واکنش شاعران ایرانی
به جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی

غزل به مثابه موشک

صفحه ۸

در تله کارتال

بحران نیمکت پرسپولیس
تصمیم دیرهنگام و شکست قطعی

صفحه ۶

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ روایت رسانه‌های معروف غرب
از شکست رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه ایران

موش زایید

صفحه ۷

عکس: Gettyimages

تیترهای امروز

رویترز: هکرهای مرتبط با ایران تهدید کردند
اسنادی را درباره حلقه ترامپ منتشر خواهند کرد

۱۰۰ گیگ علیه ترامپ

■ هکرها می‌گویند ۱۰۰ گیگابایت ایمیل از حساب‌های «سوزی وایلز» رئیس دفتر کاخ سفید «لیندزی هالیگان» وکیل ترامپ و «استورمی دنیلز» پورن‌استار و دوست سابق ترامپ در اختیار دارند

صفحه ۲

تحلیل قابل تأمل اندیشکده کارنگی
درباره حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران

عملیات نابخردانه!

همین صفحه

رئیس سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو
با «وطن امروز»: ذخایر استراتژیک دارویی کشور
بهتر از هر زمانی است

ویژه

تأمین برخط دارو

صفحه ۴

ما و گنده‌لات‌های دنیا

نگاه
زهرا محسنی‌فر

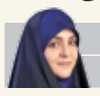

می‌گفت ایران، بچه‌تُخس‌بازی درمی‌آورد. به خاطر هیجان و ماجراجویی، قدرت‌های بزرگ را انگولک می‌کند. از روی شکم‌سیری برای خودش دشمن می‌تراشد. بهانه دست ابرقدرت‌ها می‌دهد و روی مخ‌شـــان می‌رود تا مجبور شوند گوش ما را بپیچانند. می‌گفت چه می‌شد ما هم مثل بقیه کشورها نان و ماست‌مان را می‌خوردیم و سرمان توی لاک خودمان بود؟ اگر شیطنت نمی‌کردیم، اصلاً کســـی کارمان نداشت. چه کار داشتیم با گنده‌لات‌هـــای دنیا دهان به دهان شـــویم؟ چه کار داشتیم پشت‌بازو نشان‌شان دهیم؟ چرا پای خودمان را از گلیم‌مان فراتر گذاشـــتیم و رفتیم دیوار به دیوارشـــان حیاط خلوت درست کردیم تا نیشگون‌شان بگیریم؟ با مرگ بر این و آن به کجا رسیدیم؟

اینهـــا را همیـــن طور رگبـــاری و دارکوب‌وار می‌گفت و داشت مخم را تلیت می‌کرد. دستمال کاغذی سفید را به نشانه تسلیم به اهتزاز درآوردم، تا کمـــی نفس بگیرد و پس نیفتد. بعد کنارش نشســـتم و گفتم تصدقت شوم، خون خودت را کثیف نکن. تا نفس چاق کنی و دور بعد حملاتت را از سر بگیری، بگذار من هم ۴ کلام برایت قصه بگویم. خدا شاهد است به همین برکت، پدران ما داشتند نان و ماست‌شان را می‌خوردند که خدا خواست و سفره‌شان چرب شد. بوی نفت مثل بوی نجسی، گنده‌لات‌های بین‌المللی را مست و پاتیل کرد تا از آن سر دنیا بیایند سروقت ما. انگار کن کفتارها بوی خون شنیده باشند. اجنبی‌ها آمدند و اولش سبیل شاه‌گربه‌های قاجار را چرب کردند تا درباریان دور ماده سیاه بدبو را رسماً خط بکشند و اعلی‌حضرت‌ها به فکر سفر فرنگ و سوغات برای زنان حرمسرا باشند.

بدبختی ما از آنجا شـــروع شد که الوات دنیا زدنـــد به تیپ و تاپ هم و جنگ‌های جهانی در گرفت. از بدِ ماجرا، ایرانِ ما اشـــتباهی افتاده بود وسط میدان جنگ آنها. هر چند سبیل کلفت‌های دربار قاجار دست‌ها را بردند بالا و اعلام بی‌طرفی کردند تا کسی را انگولک نکنند اما این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نبود. آشغال‌ها بالاخره ریختند و ایران را اشـــغال کردند و هرچه منابع داشتیم، از نفت گرفته تا گندم، همه را بالا کشـــیدند تا خرج و بَرج جنگ‌شـــان جور شود و سور و سات پیروزی‌های‌شـــان به راه باشد. می‌دانی چه شد؟ همان نان و ماست را هم دیگر نداشتیم بخوریم و از قحطی و گرسنگی، یکی در میان مردیم. یک قتل عام شیک و مجلسی بدون اینکه افکار عمومی دنیا ککش بگزد. هیچ نهاد بین‌المللی برای ما تره خرد نکرد. تصدقت شوم؛ ما از روی شکم‌سیری برای خودمان دشمن نتراشیدیم.

ادامه در صفحه ۸

ترامپ عطر جدید برند خودش را تبلیغ کرد؛ منافع شخصی اصلی‌ترین عامل تصمیمات رئیس‌جمهور آمریکا

کاسبان اتاق بیضی

یادداشت
مصطفی نصری

نهـــاد دولـــت در آمریکا در عمل به ابـــزاری برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی گروه‌های خاص تبدیل شده است. از تبلیغات عطرهای شخصی دونالد ترامپ گرفته تا حمایت‌های مالی گسترده از شرکت‌های ایلان ماسک، از درخواست‌های جنجالی مانند افزودن مجسمه ترامپ به کوه راشمور تا تلاش برای کسب جایزه صلح نوبل، همگی نشان‌دهنده این واقعیت است که دولت در آمریکا بیش از آنکه در خدمت مردم این کشور باشد، در خدمت صاحبان قدرت اســـت. رسوایی‌های اخیر، مانند هک ایمیل‌های نزدیکان ترامپ و جدال‌های سیاســـی و تسویه‌حســـاب بین او و ایلان ماسک، تنها گوشه‌ای از این کارکرد معیوب را علنی کرده است. این مسائل، همراه با استفاده از سیاست خارجی و اهرم نظامی به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌سازی شخصی، تصویری از یک دولت را ترسیم می‌کند که اولویتش نه حل مشکلات عمومی، بلکه حفظ و تقویت قدرت و منافع گروه‌های خاص است، حتی اگر این منافع به قیمت کشانده شدن پای آمریکا به یک جنگ پرهزینه تمام شود.

■ دولت شخصی

یکی از بارزترین ویژگی‌های کارکرد نهاد دولت در آمریکا، استفاده از آن به عنوان ابزاری برای تأمین منافع اقتصادی است. این موضوع در رفتارهای دونالد ترامپ، چه در دوره‌های ریاســـت‌جمهوری‌اش و چـــه در فعالیت‌های شـــخصی او، به وضوح دیده می‌شـــود. در جدیدترین نمونه از این منفعت‌طلبی روز گذشته دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی خود از راه‌اندازی عطرهای شخصی با نام «پیروزی ۴۷-۴۵» خبر داد. این اقدام که یک فعالیت تجاری شخصی محسوب می‌شود، بخوبی نشان‌دهنده استفاده از جایگاه سیاسی برای پیشبرد منافع اقتصادی است. نامگذاری این عطرها به «پیروزی ۴۷-۴۵» نه تنها به دوره‌های ریاست‌جمهوری او اشاره دارد، بلکه تلاشی برای تقویت برند شخصی‌اش با استفاده از نفوذ سیاسی است. این رویکرد تنها به فعالیت‌های تجاری شخصی محدود نمی‌شود. دولت آمریکا، بویژه در دوره‌های اخیر، به طور گسترده‌ای از منابع عمومی برای تأمین منافع اقتصادی گروه‌های خاص استفاده کرده است. نمونه بارز این موضوع، حمایت‌های مالی گســـترده از شرکت‌های تحت مدیریت ایلان ماســـک است. شرکت‌های ماسک، از جمله تسلا و اسپیس‌ایکس، در طول سال‌ها بیش از ۳۸ میلیارد دلار درآمد را در قالب قراردادها، وام‌ها، یارانه‌ها و اعتبارات مالیاتی از دولت هدف قرار داده بودند. بر اســـاس ادعای واشنگتن‌پســـت، تنها در سال ۲۰۲۴، دولت‌هـــای فـــدرال و محلی متعهد به پرداخت ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار به این شرکت‌ها شده‌اند. این حمایت‌ها بویژه در حوزه خودروهای الکتریکی و قراردادهای فضایی، نقش کلیدی در تبدیل ایلان ماسک به یکی از ثروتمندترین افراد جهان داشته است. با این حال، جدال‌های اخیر بین ترامپ و ماسک این منافع را به مرور قطع کرده تا جایی که حتی جدال لفظی روز گذشـــته ترامپ و ماسک نیز در یک روز سهام شرکت تسلا را ۴ و نیم درصد کاهش داد. ترامپ روز گذشته در اظهاراتی ماسک را به بهره‌برداری بیـــش از حد از یارانه‌های دولتی متهم و حتی تهدید کرد ممکن است او را از آمریکا اخراج کند. این جدال که به کاهش سهام تسلا در معاملات پیش از بازار منجر شد اثبات‌کننده این موضوع است که بهره‌مندی‌های ماسک از رانت دولتی تا چه حد در تبدیل شدن او به ثروتمندترین مرد جهان موثر بوده است. چیزی که اکنون به ابزاری برای انتقام‌گیری از او تغییر ماهیت داده و البته ترامپ نیز در زیست اقتصادی و سیاسی شخصی‌اش از آن بهره می‌برد. همان‌طور که درباره عطرهای «پیروزی ۴۷-۴۵» دیده شد.

■ برندسازی برای آینده

علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، نهاد دولت در آمریکا به ابزاری برای مشروعیت‌ســـازی سیاسی و تقویت وجهه عمومی سیاستمداران تبدیل شده است. یکی از جنجالی‌ترین اقدامات اخیر دونالد ترامپ، درخواست او برای افزودن مجسمه‌اش به یادبود ملی کوه راشمور اســـت. این یادبود که به دلیل حکاکی چهره‌های ۴ رئیس‌جمهور برجسته آمریکا (جرج واشنگتن، توماس جفرسون، تئودور روزولت و آبراهام لینکلن) شـــهرت دارد، نمادی از تاریخ و ارزش‌های ملی آمریکا محسوب می‌شود. درخواست ترامپ برای افزودن مجسمه‌اش به این یادبود تلاشی برای جاودانه‌سازی تصویر او به عنوان یک رهبر تاریخی است. این اقدام در کنار تلاش‌های او برای کسب جایزه صلح نوبل، نشان‌دهنده استفاده از نهاد دولت برای شخصیت‌پردازی‌های وی است.

ادامه در صفحه ۶

تحلیل قابل تأمل اندیشکده کارنگی درباره حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران

عملیات نابخردانه!

دیدگاه
سیدامیر انتظاری‌فر

اقدام آمریکا در اجرای عملیات چکش نیمه‌شب که تلاشی برای آسیب به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران بود؛ اقدامی است که در میان اندیشکده‌ها و رسانه‌های بین‌المللی، به عنوان یک عملیات بی‌حاصل و نابخردانه سرزنش می‌شود. متن‌ها و تحلیل‌های متعددی درباره بی‌فایده بودن این اقدام منتشر شده است. یکی از این متن‌های مهم و قابل توجه، متنی است که در اندیشکده مهم و اثرگذار کارنگی منتشر شد و نویسنده آن نیز «نیکول گراجوفسکی» یکی از مهم‌ترین افراد برنامه ایران این اندیشکده بود. این متن تصریح می‌کند به رغم آنکه این عملیات، از نظر نظامی مهم و پیچیده بود: «با این حال، ارزیابی‌های اولیه اطلاعاتی نشان می‌دهد میزان تخریب ممکن است کمتر از آن چیزی بوده باشد که کاخ سفید تحت عنوان «نابودی کامل» اعلام کرده است» بنابراین پرسش مهم این است: چرا نباید این عملیات را از نظر دستیابی به اهداف، موفق اعلام کرد؟

گراجوفسکی تصریح می‌کند میان آسیب به زیرساخت و از بین بردن برنامه، تفاوت چشمگیری وجود دارد: «محدودیت [و اشکال] بنیادیـــن این حملات در تفاوت میان تخریب زیرســـاخت و از بین بردن قابلیت نهفته است. اقدام نظامی می‌تواند تجهیزات و تأسیسات را نابود کند اما نمی‌تواند دانش، مواد پخش‌شده در مکان‌های مختلف یا انگیزه‌های راهبردی توسعه برنامه هسته‌ای را حذف کند. گزارش‌ها حاکی از آن است ایران پیش از حملات، بخشی از حساس‌ترین مواد خود را منتقل کرده بود؛ امری که نشان می‌دهد هسته اصلی برنامه غنی‌سازی احتمالا از آســـیب جدی در امان مانده است. همچنین پناهگاه‌های سالم‌مانده می‌تواند بستری را برای بازسازی مجدد برنامه فراهم آورد». به باور او، در حالی که ایران اراده سیاســـی برای پایان دادن به برنامه هسته‌ای خود ندارد و از سوی دیگر، ظرفیت دیپلماسی برای بازگرداندن محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران عملا در حال از بین رفتن است، «اثرگذاری تاکتیکی این حمله صرفاً به یک توقف موقت منتهی خواهد شد». گزارش به بررسی عکس‌های ماهواره‌ای از تخریب‌ها می‌پردازد و ضمن بررسی برخی آسیب‌ها تلاش می‌کند به این پرســـش پاسخ دهد: چرا تخریب فیزیکی زیرساخت‌ها، مانع مهمی برای توسعه برنامه هسته‌ای ایران نیست: «تخریب فیزیکی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران ممکن است مانعی فوری [برای ایران] ایجـــاد کنـــد اما خطر را به طور کامل از بین نمی‌برد. نکته مهم این است که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها چند روز پیش از آغاز حملات اسرائیل در ۲۳ خرداد موجودی مواد هسته‌ای ایران را تأیید کرده بودند؛ مساله‌ای که احتمال انتقال پیش‌دستانه ذخایر کلیدی اورانیوم با غنای بالا از ســـایت‌های اعلام‌شـــده به مکان‌های نامعلوم را تقویت می‌کند. تصاویر ماهواره‌ای مربوط به ۲۹ و ۳۰ خرداد نشان‌دهنده حضور کامیون‌های حمل نخاله و بولدوزرها در نزدیکی ورودی تونل‌های سایت فردو است». بنابراین یکی از نخستین عوامل بی‌اثر بودن این عملیات، جابه‌جایی مواد غنی‌شده ایران از تاسیسات فعلی به مکانی نامعلوم برآورد می‌شود. بخش مهم دیگر این گزارش، تمرکز بر وجه بازسازی ایران است. گزارش بر آن است ایران با وجود مواد غنی‌شده، به آسانی می‌تواند مسیر توسعه برنامه هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد: «زیرساخت هسته‌ای ایران، با وجود خسارات واردشده، در ابعاد مختلف همچنان پتانسیل بالایی برای بازسازی دارد. اگر ایران واقعا موفق به انتقال ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد خود شده باشد، این مواد همچنان قابلیت بالقوه در مسیر توسعه برنامه هسته‌ای را دارد».

بخش بسیار مهم‌تر این گزارش آن است که گراجوفسکی تصریح می‌کنـــد به‌رغم آنکه این حملات، صرف‌نظر از هزینه‌های مادی، بر زمان‌بندی توسعه برنامه هسته‌ای ایران اثر گذاشت اما به دلیل اراده سیاسی بر ادامه برنامه هسته‌ای، دانش بومی و زنجیره تامین پایدار، عملا نابودی برنامه هسته‌ای ایران بی‌معنی است: «ظرفیت بلندمدت ایران برای بازسازی برنامه هسته‌ای‌اش، با وجود آسیب‌های سنگین واردشده اساساً دست‌نخورده باقی مانده است. حملات اخیر نتوانست عناصر اصلی و ریشـــه‌ای را که طی بیش از ۲ دهه مســـیر هسته‌ای ایران را ممکن کرده، از میان بردارد. این عناصر شامل یک زیرساخت گسترده و پراکنده، نیروی انسانی فنی و آموزش‌دیده، زنجیره تأمین داخلی نسبتا کامل و از همه مهم‌تر، اراده سیاسی پایدار و انعطاف‌ناپذیر نظام برای تداوم این مسیر است. همین مجموعه عوامل موجب شده با وجود محدودیت‌های فنی و عملیاتی کنونی، چشم‌انداز بازسازی برنامه هسته‌ای ایران همچنان کاملا محتمل و از نظر راهبردی قابل دستیابی باقی بماند». بخش مهم دیگر در فرآیند بازسازی هسته‌ای ایران، اشاره به اراده سیاسی ایران برای ادامه توسعه برنامه هسته‌ای است.

ادامه در صفحه ۶